



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورموفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۶۴ - بیان اجمالی آیه - بخش اول: «ثم تولیتهم من بعد ذلك» - مطلب اول -
تاریخ: ۱۳ بهمن ۱۴۰۴
مصادف با: ۱۳ شعبان ۱۴۴۷
جلسه: ۲۹
مطلب دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

آیه ۶۴

«ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ».

بیان اجمالی آیه

بعد از آنکه اشاره به اخذ میثاق و رفع طور فرمود و آن میثاق را با غلاظ و شداد از بنی اسرائیل اخذ کرد و نیز فرمود آنچه که در تورات به شما فرمان داده شده اخذ کنید و به آن عمل کنید و در حفظ و عمل به آن بکوشید، حالا می‌فرماید اما شما بعد از آن اعراض کردید و روی گردانیدید. بعد از اخذ میثاق و رفع طور و آن همه توصیه‌ها و هشدارها، اعراض کردید؛ بعد می‌فرماید: اما اگر فضل و رحمت خداوند نسبت به شما نبود، قطعاً شما از زیان‌کنندگان و خاسرین بودید؛ یعنی شما روی گردانیدید، اگر خداوند می‌خواست به واسطه این روی گردانی عذاب را بر شما نازل می‌کرد و اگر نبود رحمت و فضل خداوند بر شما، هر آینه شما از زیان‌کنندگان بودید.

ارتباط این آیه با آیه قبل کاملاً معلوم و آشکار است. لفظ خاصی هم که نیاز به توضیح داشته باشد، وجود ندارد. لکن باید تفسیر این آیه را بیان کنیم. این آیه دو بخش دارد.

بخش اول: «ثم تولیتهم من بعد ذلك»

بخش اول این است: «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ». در این بخش چند مطلب باید توضیح داده شود.

مطلب اول

مطلب اول اینکه با «ثم» شروع کرده و این اشاره به یک فاصله بین اعراض آنها و رفع طور و اخذ میثاق دارد؛ یعنی بعد از آنکه خداوند می‌فرماید ما رفع طور کردیم و آن توصیه‌ها را به شما کردیم، به فاصله‌ای علی‌الظاهر نه چندان دور، اینها اعراض کردند. این نکته چندان مهم نیست؛ مهم این است که اعراض اینها به چه نحو واقع شد.

برخی از مفسرین به نمونه‌هایی از اعراض بنی اسرائیل از تورات اشاره کرده‌اند؛ اصل اینکه اینها روی گردان شدند از تورات و راه بندگی خدا را کنار گذاشتند، مسلم است. اما اینکه در آن زمان چه کاری انجام دادند، موارد و نمونه‌هایی را ذکر کرده‌اند. از جمله ترک عمل به تورات؛ آنها به تورات عمل نمی‌کردند و با آن مخالفت می‌کردند. تحریف تورات هم یکی از موارد اعراض بنی اسرائیل نسبت به آن پیمانی است که خداوند از آنها گرفته بود؛ تحریف تورات گناه کوچکی نبود. اینکه عمل نمی‌کردند و مخالفت می‌کردند، اما رو به تحریف آوردند؛ در همان زمان قتل انبیا کاری بود که با آن پیمان و میثاقی که خداوند از آنها

گرفته بود، سازگار نبود و رویگردانی محسوب می‌شد. با اوامر انبیا مخالفت می‌کردند؛ اعراض به سخت‌ترین شکل و به سنگین‌ترین وجه صورت گرفت. خداوند این را بیان می‌کند که بنی‌اسرائیل آن همه مسائل را پشت سر گذاشته بودند؛ بارها و بارها لطف خداوند شامل آنها شده بود و خداوند آنها را نجات داده بود؛ بارها معجزه دیده بودند، بارها لطف و عنایت خداوند را مشاهده کرده بودند؛ اما مع ذلک به محض اینکه کمی شرایط آنها عادی می‌شد و از خطر دور می‌شدند، به همان وضع سابق برمی‌گشتند. بنی‌اسرائیل داستان‌های عجیبی دارد؛ از تخریب بیت‌المقدس گرفته تا کفر به حضرت مسیح و تلاش برای قتل حضرت مسیح.

وقتی هم که خداوند تبارک و تعالی این آیات را برای مسلمانان و یهود زمان پیامبر(ص) نازل می‌کند، در واقع می‌خواهد به آنها این نکته را برساند که «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ» یعنی شما یهودیان هم همانند اعقاب و اجدادتان و قوم بنی‌اسرائیل هستید که این همه معجزه و کرامت از پیامبر(ص) دیده‌اید و این همه خداوند تبارک و تعالی به شما لطف کرده، اما باز هم اعراض می‌کنید. این مسئله‌ای است که کأن رویه شده بود در میان بنی‌اسرائیل؛ «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ» در واقع به این رویه و عادت اشاره می‌کند؛ عادت عهدشکنی. در همین چند آیه اخیر که ما خواندیم، ملاحظه فرمودید که چقدر اینها عهدشکنی داشتند و چقدر برخلاف عهد و پیمانی که با موسی می‌بستند، عمل می‌کردند. اگر بخواهیم یک ویژگی برجسته برای بنی‌اسرائیل ذکر کنیم، می‌توانیم پیمان‌شکنی و عهدشکنی را نام ببریم؛ آنها زیر قولشان زدند با حضرت موسی و همچنین سایر انبیا و قول و پیمانی که با خداوند بسته بودند و بر همین اساس هم لعن شدند. «فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ»،^۱ وجه لعن آنها را همین نقض میثاق می‌داند. این کأن به وراثت به یهودیان زمان پیامبر(ص) هم رسیده بود و عهدشکنی و پیمان‌شکنی آنها موجب خسارت‌هایی برای مسلمانان می‌شد. الان هم همین‌طور است؛ این قوم بازمانده از بنی‌اسرائیل، حالا به هر نامی که شناخته شوند، اصلاً به وضوح اهل پیمان‌شکنی و عهدشکنی و خلف وعده و امثال آن هستند.

مطلب دوم

به هر حال خداوند تبارک و تعالی این را یادآوری می‌کند که «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ». اینجا اشاره نمی‌کند به اینکه چه زمانی آنها روی گردان شدند؛ در آیه ۵۰ سوره زخرف می‌فرماید: «فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ»، به محض اینکه خطر و عذاب از آنها رفع می‌شد و احساس امنیت می‌کردند و مشکل از آنها دور می‌شد، شروع به پیمان‌شکنی می‌کردند. اینجا هم همین‌طور؛ وقتی که رفع طور شد، با یک فاصله نه‌چندان زیاد، نقض میثاق کردند.

سؤال:

استاد: از روی ناچاری بود؛ این هم می‌تواند باشد که برای فرار از مشکلات و حل آنها، بگویند ایمان بیاوریم و مشکل ما برطرف شود. ولی همان هم نبود که واقعاً ایمان بیاورند. این تظاهر به ایمان بود، و الا قلباً ایمان نمی‌آوردند. ...

سؤال:

استاد: در واقع یک سلسله از اقدامات بنی‌اسرائیل را در آیات قبلی و لطف خداوند را به آنها در هر مقطعی بیان کرده است؛ از «اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» شروع شد و بعد به همه نعمت‌ها اشاره کرد. در هر مرتبه اشاره

۱. سوره مائده، آیه ۱۳.

به دور شدن از پیمان و ... «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ» اگر بخواهد به قیاس آیه قبل و مسئله اخذ میثاق اشاره کند، به خصوص ناظر به آن است؛ ولی اخذ میثاق و رفع طور که باعث شد اینها همراه شوند و میثاق را بپذیرند؛ لذا «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ» ضمن اینکه می تواند به همین معنا ناظر باشد، اما در واقع می خواهد بگوید این دفعه هم مثل دفعه های قبل؛ عادت شما این شده است؛ «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ» یعنی اعرضوا عن التورات؛ مثال زدم و گفتم تحریف تورات، عمل نکردن به تورات، مخالفت کردن با احکام آن و مخالفت با انبیا. ...

بحث جلسه آینده

بخش اول مطلب خاص دیگری ندارد؛ ان شاء الله در جلسه آینده بخش دوم را توضیح خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»